نوتوانی (توانبخشی ) گروه های خاص با تاکید بر خدمات مددکاری اجتماعی

به بهانه ۱۵ اکتبر ؛۲۳ مهرماه ،روز جهانی عصای سفید

هلن کلر( Helen Keller) بر این باور بود که: تواناست اگر اراده کند و پیگیر باشد، پس به آن می‌رسد. زندگی روزهای مهمی دارد. شعرهای زیبا ما را از هیجان به ارتعاش در می‌آورد. مثل خوابی ناخوشآیند می‌گذرد و ما بیدار می‌شویم تا زیبایی واقعی خداوند را با چشم‌های دیگر ببینیم و با گوش‌های تازه بشنویم.

هلن اگر قبول نمی‌کرد که تغییر کند همان دختر کر و کوری بود که باید تا آخر عمر به زندگی انگلوار خود ادامه دهد و وابسته به دیگران باشد. اما سرانجام باحمایت و پشتکار پرستارش با خود کنار آمد، با دیگران کنار آمد. با خانواده و جامعه کنار آمد و پذیرفت که او باید تغییر کند، نه جامعه به خاطر او. جامعه راه خود را طی می‌کند و اگر نتوانی خود را با او وفق دهی. ناهنجار شناخته خواهی شد. هلن با خود کنار آمد و علی‌رغم همه معلولیت‌هایی که داشت، توانست دشوارترین راه را انتخاب کند. مقاومت‌هایش شکسته شد، جرقه‌ امیدی در نظرش زده شد. هلن قبول کرد که معلول است و باید آن را بپذیرد. سرانجام به جایی رسید که در بیش از هفتاد سمینار علمی بین‌المللی و در حضور هزاران بیننده و شنونده مشتاق، افکارش را به جهانیان عرضه کرد و امروز همه جهان او را می‌شناسند و می‌ستایند. او نشان داد که انسان با هر نوع معلولیتی که دارد می‌تواند از قدرت های دیگری که خداوند به او داده است استفاده کند.

**مفهوم توانبخشی**

معلولیت حقیقتی انکارناپذیر است و از آنجا که هم بر سرنوشت فرد و هم بر کل جامعه تاثیر می‌گذارد پدیده‌ای است اجتماعی با زمینه و ابعاد بسیار و توانبخشی پاسخیست به نیاز فرد و جامعه و دربردارنده مفهوم بازگشت فرد به جامعه است. اصطلاح توانبخشی به لاتینRehabilitation ) ) معادل نوتوانی بازتوانی بازسازی و بازپروریست و این مفهوم به معنی �زگردانیدن توانایی‌ها حفظ شأن و منزلت فرد معلول و تعیین جایگاه حقوقی او است

**فلسفه توان‌بخشی**

فلسفه توانبخشی به معنی امید بخشیدن به فرد معلول و آمادگی او برای زندگی در جامعه از یک سو و آماده سازی جامعه برای پذیرش معلول در مقام شهروند از سوی دیگر است تا همانند دیگر افراد جامعه � فرصت‌های اجتماعی اقتصادی آموزشی به طور یکسان برخوردار شود

فلسفه توانبخشی یعنی بالا بردن "اعتماد به نفس "در معلول. یعنی "باور خویشتن، این‌که چقدر خودمان را قبول داریم، باور مثبت درباره خویش" یعنی پیدا کردن "عزت نفس" که پله اول اعتماد به نفس است. آمادگی جهت فراگیری و آموزش از هرکس در هرکجا. گوش دادن به نظات انتقادی دیگران بارویی گشاده، نگاه مثبت به زندگی و پذیرفتن نقاط ضعف و این که هیچ کس کامل نیست.

«فلسفه توان‌بخشی یعنی تغییر نگرش به زندگی جدید و بیدار کردن دلهای مرده»

امروزه این تفکر در جامعه توان‌بخشی به وجود آمده است که فرد معلول کسی نیست که مورد غضب خداوند قرار گرفته باشد ، بلکه حاصل برخی از عوامل ژنتیکی ،محیطی و مادرزادی ناخواسته است

تا قبل از اعلام سال جهانی معلولین ۱۹۸۱ از سوی سازمان ملل متحد توانبخشی �ئله پزشک قلمداد می‌شد اما از از همان سال سازمان بهداشت جهانی تعریف جدید از توانبخشی مطرح نمود که با آسان کردن سازگاری اجتماعی در آن توجه شده است و عبارت است از فرایندی هدفگرا و دارای محدودیت زمانی که هدفش توانا ساختن شخص دارای اختلال برای رسیدن به سطح ذهنی جسمی اجتماعی و کارکردی مناسب که در این راه او را برای تغییر دادن زندگیش به ابزارهای مجهز می‌کند توانبخشی شامل اقداماتی است که فقدان کارکرد را جبران می‌کند همانند کمک‌های فنی و همچنین شامل اقداماتی است که سازگاری اجتماعی را تسهیل می‌نماید همانند مناسب سازی محیط زندگی و محیط شهری.

در تعریف دیگر از توانبخشی توسط پروفسور هلاندر در سال ۱۹۹۴ توانبخشی شامل همه اقدامات هدفمند برای کاهش اثر معلولیت بر فرد قادر ساختن وی برای دستیابی به استقلال مراوده اجتماعی کیفیت زندگی و خودشکوفایی است توانبخشی علاوه بر آموزش افراد معلول شامل مداخله در ساختار عمومی جامعه به منظور متناسب سازی محیط و حفظ رعایت حقوق انسانی افراد ناتوان است

**اهداف توانبخشی**

* پیشگیری از ایجاد یا بروز معلولیت با استفاده از آموزش
* جلوگیری از پیشرفت معلولیت
* ارتقا سطح آگاهی عمومی جامعه از معلولیت و پذیرش فرد معلول به عنوان شهروند عادی
* تطابق زندگی معلولان با جامعه از طریق مناسب سازی محیط آموزشی اداری شهری و تفریحی
* خودکفایی فرد معلول و قادرسازی برای برخورد با مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی
* تدوین قوانین مبتنی بر برابر سازی و یکپارچه سازی فرصت‌های اجتماعی برای معلولین
* عرضه تسهیلات و خدمات شهری مناسب استفاده معلولان
* تغییر نگرش فرد معلول نسبت به سایر توانمندی ‌های جسمی و روانی خود وروش‌های تطابق
* آموزش با خانواده‌های دارای عضو معلول به منظور نحوه صحیح ارتباط با او

**خاستگاه توانبخشی در ایران و جهان**

توانبخشی در ایران متکی بر قانونی است که از سال ۱۳۴۷ تصویب شد و بر اساس این قانون دولت مکلف بود تا انجمنی به نام انجمن توانبخشی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی ایجاد کند تا به کسانی که به دلیل نقص عضو یا از دست دادن قسمتی از توانایی‌های خود قادر به کار کردن نیستند خدمات ارائه دهد در اوایل سال ۱۳۵۹ با تشکیل سازمان بهزیستی و طی مراحل متعدد انجمن توانبخشی به سازمان بهزیستی واگذار کردید و در قالب حوزه معاونت توانبخشی فعالیت خود را تا این زمان ادامه داد

با اعلام تهیه معلولان بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ نگرش جدیدی به معلولیت و مسئولیت دولت‌ها در قبال معلولان ایجاد شد تا قبل از آن افراد معلول در اجتماع دیده نمی‌شدند و سهم بالقوه آنها در توسعه و پیشرفت جامعه نادیده گرفته میشد اما به دنبال صدور اعلامیه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ درباره حقوق معلولان در جامعه و اعلام سال جهانی معلولان در سال ۱۹۸۱ و دهه معلولان تغییرات مشهودی در طرز تلقی از معلول و معلولیت به وجود آمد در دیدگاه جدید معلولیت محرومیت نیست و بر میزان توانایی فرد معلول نه ناتوانی او تاکید می‌شود و برای ترویج حقوق معلولان آزادی انتخاب و فرصت‌های مساوی تلاش شده و سعی بر این است که محیط با نیازهای معلولان هماهنگ شود. دیدگاه جدید تلاش می‌کند نگرش جامعه را به معلولان تغییر دهد و باعث کمک به آنها برای قبول مسئولیت کامل به عنوان یک شهروند فعال و عادی ‌شود در سال ۲۰۰۶ کنوانسیون جهانی حقوق معلولان توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید هدف این کنوانسیون که دارای ۸ اصل اساسی ۵۰ ماده می‌باشد شناسایی موانعیست که اشخاص معلول بر سر استیفای کامل حقوقشان با آن مواجهند نیز تاکیدی است بر ارزش‌های بنیادین حقوق انسانی یعنی کرامت Dignity برابری Equalityو عدالت اجتماعیSocial Jastice

**تعریف مفهوم معلولیت**

در تعریف معلولیت از کریمی درمنی آمده است:

 معلولیت مرتبط است با محرومیت‌هایی که فرد در نتیجه نقص یا اختلال ناتوانی تجربه می‌کند در واقع ناتوانی پیامد نقص در عملکرد و فعالیت فرد هر دلیلی می‌باشد به عبارتی هرگونه فقدان یا **محدودیت** توانایی انجام دادن فعالیت‌هایی که در سطح طبیعی از هر انسانی انتظار می‌رود و یا کاهش فرصت برای مشارکت در زندگی اجتماعی در سطحی برابر با دیگران

 **انواع معلولیت معلولین**

 به چند دسته تقسیم می‌شوند جسمی - ذهنی و روانی – اجتماعی

معلولیت جسمی به چهار دسته کلی جسمی- حرکتی ،احشایی، حسی ،سالمندان

شایع ترین آسیب ها یا بیماری ها که پیامد ان معلولیت جسمی -حرکتی است شامل : فلج اطفالpolio ،فلج مغزی ( CP ) دیستروفی های عضلانی، سکته مغزی(CVA) ،ام اس، ضایعه نخاعی و...

نابینایان و ناشنوایان نیز از دسته معلولیت های حسی از دسته بندی جسمی بشمار میروند

نیازهای معلولان معمولا به سه دسته تقسیم می‌شوند:

 **نیازهای احساس شده** که شامل انتظارات افراد معلول و خانواده‌های آنها است که بسیار تحت تاثیر مسائل فرهنگی ارزش‌های حاکم بر جامعه است

**نیازهای بیان شده** مجموعه اقداماتی است که افراد معلول و خانواده‌های آنها برای دریافت کمک انجام می‌دهند و ضرورت دارد که برای پیشگیری از سرخوردگی آنها این نیازها به صورت واقعی و کارشناسانه تحلیل شود

**نیازهای ارزیابی شده** منظور نیازهایی است که متخصصان توانبخشی تعیین می‌کنند که اساس برنامه‌های خدمات توانبخشی بر پایه همین نیازها بنا نهاده شده است

**کارگروه‌های توانبخشی**

اساس کار توانبخشی به فعالیت تیمی به منظور هماهنگ نمودن اقدامات متعدد و متنوعی است به منظور بازتوانی فرد معلول انجام می‌شود و در قالب سه کارگروه :

**توانبخشی پزشکی،**

 **توانبخشی حرفه‌ای**

 **توانبخشی اجتماعی**

که به صورت فرایندی (مرحله به مرحله ) انجام می‌گردد

توانبخشی پزشکی اولین مرحله کار توانبخشی است که فرد معلول بر حسب وضعیت و نوع معلولیت اقدامات درمانی لازم و همچنین تجویز وسایل کمکی از قبیل ارتزها و پروتزها و سایر نیازمندی‌های پزشکی انجام می‌شود

 در مرحله بعد فرد برای رفتن مسئولیت‌های زندگی به گروه توانبخشی حرفه‌ای معرفی می‌شود و به تناسب مدت لازم برای یادگیری حرفه مورد نظر متناسب با نوع معلولیت ، میزان توانمندی‌ و میزان یادگیری تحت آموزش حرفه‌ای قرار می‌گیرد همزمان با شروع آموزش حرفه‌ای کاریابان مسئله و چالش‌های کاریابی و اشتغال فرد معلول را مورد بررسی قرار داده و اقدامات لازم و بسترسازی برای شروع کار پس از پایان حرف آموزی انجام می‌دهند

 بعد از این مرحله فرد معلول وارد کار گروه توانبخشی اجتماعی می‌شود که در این مرحله کارگروه بر روی مشکلات بین فردی معلول در محیط خانواده و جامعه و سازگاری اجتماعی به منظور ورود فرد به جامعه و ایفای نقش اجتماعی اقدامات و مشاوره‌های لازم را انجام می‌دهند

اعضای کارگروه تمام بخشی اجتماعی شامل **روانپزشک،** **روانشناس بالینی** و **مددکار اجتماعی** می باشد

 **نقش مددکار در نوتوانی گروههای خاص**

**مددکار اجتماعی در قالب روش‌های فردی ،گروهی و جامعه ایCBR** خدمات حرفه‌ای خود عرضه می‌دارد

کارگروه توانبخشی اجتماعی با ارزیابی کامل روانی اجتماعی فرد معلول از جمله اطلاعات وضعیتی ،اطلاعات فرهنگی، اطلاعات اجتماعی واطلاعات شخصی، به تدوین برنامه‌های مداخله‌ای می‌پردازد .

مددکار اجتماعی در کارگروه توانبخشی چند نقش مهم را به عهده دارد

**نقش آموزش دهنده،**

**نقش حامی و مدافع (Advocacy )**

**نقش تسهیل کننده روابط اجتماعی**

 در نقش آموزش دهنده؛ مددکار فرد معلول و خانواده او را از ماهیت معلولیت خاص با نیازهای ویژه و پیامدهای آن آگاه از طریق آموزش غیر مستقیم به تغییر نگرش و رفتار آنها در مورد معلولیت با دیدگاه یک تراژدی و فاجعه غم انگیز و بی‌پایان اقدام می‌کند.

 در نقش حامی ؛مددکار اجتماعی از حقوق معلولین با استفاده از سیستم‌ها و منابع اجتماعی دفاع نموده و از این طریق تغییرات و دگرگونی‌های محیط اجتماعی را در جهت منافع معلولان دنبال می‌کند.

و در نقش تسهیل کننده روابط اجتماعی مددکار اجتماعی می کوشد تا با شناخت سیستم‌ها، همکاری بین بخشی و تخصصی را گسترش دهد و برای ایجاد و استمرار حضور معلولین در جامعه با ارائه آموزش‌های لازم به مردم (کارفرمایان ، معلمان ، مدیران و...) با دادن شناخت و آگاهی نسبت به تغییر نگرش آنان فعالان اقدام می‌نماید.

**شایسته کرمخانی**

**مددکار اجتماعی**